

صدور پروانه شکار برای آمریکایی‌ها منتفی شد

صفحه ۲



ویژه‌نامه طنز راه‌راه
را در شماره امروز
بخوانید

صفحات ۵ و ۶ و ۱۱ و ۱۲

در سایه سکوت وزارت خارجه در قبال رسوایی اعطای پناهندگی هلند به عامل انفجار حزب جمهوری اسلامی و همزمان با سفر حسن روحانی به اروپا دیپلمات سفارت ایران در اتریش با اتهام‌واهی دستگاه امنیتی بلژیک مبنی بر تلاش برای انجام عملیات تروریستی در همایش منافقین، در آلمان بازداشت شد

اروپا طلبکار شد

صفحه ۲



مقر اتحادیه اروپا در بروکسل بلژیک

تئیه‌های امروز

واکنش **حسن روحانی** به اظهارات برایان هوک
مقام ارشد وزارت خارجه آمریکا

نفت ایران صادر نشود نفت منطقه هم صادر نمی‌شود



صفحه ۲

افزایش قیمت لوازم خانگی خارجی
با وجود تخصیص دلار ۴۲۰۰ تومانی

گران‌فروشی با ارز دولتی

صفحه ۳

«وطن امروز» گزارش می‌دهد

خاموشی تهران خاموشی مسوولان

صفحه ۳

درباره مجموعه مستندهای تلویزیونی
«روایت مردم» که تلاش دارد جای خالی
کم‌کاری سیاستمداران را پر کند

روایت مردم در جنگ روایت‌ها

صفحه ۱۳

دیدگاه

دیگر رجب پاشایی وجود ندارد!

نوید مؤمن

«رجب طیب اردوغان» توانست با کسب ۵۲ درصد آرا و به لطف ائتلاف با حزب حرکت ملی، حضور خود در رأس معادلات سیاسی و اجرایی آنکارا را تا سال ۲۰۲۲ تضمین کند. طی روزهای اخیر، تحلیل‌های گوناگونی درباره فضای سیاسی حاکم بر ترکیه ارائه شده است. برخی معتقدند کلیت پیروزی اردوغان در دور نخست انتخابات، بیانگر «یکدستی» و «اقتدار» حزب عدالت و توسعه و رئیس‌جمهور فعلی ترکیه است. با این حال، کسانی که تحولات سیاسی ۳ ماه اخیر ترکیه را به صورتی دقیق مورد فحص و بررسی قرار داده‌اند، این نگاه خوشبینانه را رد می‌کنند. ۱- «روای نوع‌نمائی گرای» رجب طیب اردوغان این روزها با دغدغهای به نام «حفظ ترکیه فعلی» جایگزین شده است. به عبارت بهتر، اردوغان به‌رغم میل باطنی خود از فزاینده «پدیده گرای» وارد فاز «واقع‌گرایی» شده و تحولات جاری در کشورش را از منظری «تمام رئالیستی» مورد رصد قرار می‌دهد. اگر اردوغان تا قبل از سال ۲۰۱۴ میلادی، مهره‌های بازی سیاست داخلی و خارجی خود را با تکیه بر «ریسک‌پذیری نامحدود» می‌چید، امروز ناچار است تک تک حرکت‌های خود در فضای داخلی و بین‌المللی کشورش را با چاشنی احتیاط انجام دهد. اگرچه اردوغان پس از برگزاری انتخابات، تمایلی نسبت به نام بردن از «عبدالله گل» دوست قدیمی و سابق خود ندارد اما همگان به خاطر دارند شایعه حضور رئیس‌جمهور سابق ترکیه در انتخابات ریاست‌جمهوری، تا چه اندازه رعشه بر تن اردوغان و همراهان وی انداخته اعلام آمادگی بیش از یک پنجم اعضای حزب عدالت و توسعه و سایر احزاب مخالف آک پارٹی (AKP) مبنی بر حمایت از ریاست‌جمهوری دوباره عبدالله گل، می‌توانست اردوغان را به بازنده‌ای تمام‌عیار در کشورش تبدیل کند، بنابراین اردوغان پیروزی خود در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر در ترکیه را مدیون دوست پیشین خود می‌داند که وارد عرصه رقابت با وی نشد. نکته اصلی اینجاست که در چنین شرایطی نمی‌توان از اردوغان به عنوان «قدرتمندترین سیاستمدار ترکیه» یاد کرد! ۲- «محرم اینچه» «مارال آکشنر» و حتی «صلاح‌الدین دمیرتاش» که رقبای سیاسی اردوغان در انتخابات محسوب می‌شدند...

ادامه در صفحه ۴

جام جهانی روسیه ۲۰۱۸ تحولات ژئوپلیتیک را بازتاب می‌دهد

صدای پای اسلاوها بیخ گوش اروپا

گزارش جام

شروین طاهری: وقتی «آرتیوم زویا» پس از کاشتن پنالتی دقیقه ۴۱ در دروازه «داوید دخا» به گوشه زمین ورزشگاه لوژنیکو آمد و آن سلام نظامی را به هواداران داد، این نه فقط برای روس‌ها که برای بسیاری از اسلاوهای شرق اروپا پیامی ویژه به همراه داشت. پاول، یک افسر سابق ارتش روسیه که او را در خیابان مشهور نفسکی در قلب پتربورگ، سرگرم جشن پیروزی تاریخی بر اسپانیا در یک‌هفتم نهایی جام جهانی روسیه ۲۰۱۸ می‌پایم، می‌گوید حرکت مهاجم باشگاه «سکامسکو» سلام نظامی خاص ارتشی‌ها پس از ابلاغ مأموریت بود، به این معنی که دستور دریافت شد و به هر قیمتی عملی می‌شود. این سلام نظامی زمانی در اغلب ارتش‌های بلوک شرق پیوسته در کشورهای اسلاو که متحد ارتش سرخ بودند، مشترک بود. این موضوع که زویا گلزن خط آتش و «ایگور آکینیفیف» نگهبان دروازه، ۲ قهرمان اصلی صعود تاریخی فوتبال روسیه به جمع ۸ تیم برتر جهان پس از حدود نیم قرن، هر دو عضو باشگاه زسکا، متعلق به ارتش سرخ سابق و ارتش فعلی فدراسیون هستند، بخش مهمی از راز درخشش فوق‌تصور این دو را بازگو می‌کند. اینکه آنها احتمالاً اغلب بازیکنان متوسط یکی از ضعیف‌ترین تیم‌های ملی فوتبال روسیه در جام جهانی حیثیتی خانگی، برای خود مأموریتی فراتر از مرگ و زندگی قائل هستند. این جنبه فراروژنی پیروزی روسیه بود که ساعتی بعد میلیون‌ها نفر را با حالتی بین ناپاوری و شور حماسی به خیابان‌ها کشاند. اما این تنها رخداد شگفت‌انگیز اول جولای ۲۰۱۸ نبود. یکشنبه‌شب در حالی که میلیون‌ها روس در یک گلین اجتماعی کم‌سابقه طی ۵ دهه پس از فروپاشی شوروی، دیوانه‌وار به خیابان‌های مسکو، پتربورگ، نیژنی نووگورود و سایر شهرهای بزرگ ریخته و از خود بی‌خود شده بودند، در کنار پایکوبی برای تیم کشورشان به شکلی عجیب حواس‌شان به دیدار دوم همان شب میان کرواسی و دانمارک هم بود. در ساعات نزدیک به نیمه‌شب در یک رستوران چینی در مرکز پتربورگ ده‌ها نفر دور یک گوشی همراه که بازی را پیش می‌کرد حلقه زده بودند و با شادی یا خشم به هر پنالتی کروات‌ها که به دروازه «کاسیر اشمایکل» شلیک می‌شد، واکنش نشان می‌دادند. سرانجام وقتی «راکی» -ایوان راکیتچ- آخرین ضربه پنالتی را به تور دانمارک‌ها می‌چسباند، فریاد سرمستی بود

ادامه در صفحه ۴

نگاه میهمان

وضع نابسامان اقتصاد پس از لغو برجام توسط آمریکا، اصلاح‌طلبان را به غلیان و جولان انداخته که هر جور بتوانند جامه خود را از این ورطه آشفته بیرون بکشند و دامن خود را پاک از گناه گرانی بدارند. در این بین، برخی اصلاح‌طلبان افراطی مثل شکوری‌راد و جلالی‌پور و... به هذیان آمده و با ادعاهایی دروغ و پرت و پلا، زمین و زمان را برای توجیه ضعف دولت و فراقکتی به کار بسته‌اند. از این رو قصد دارم بعضی از دروغ‌های آنها را در این نوشته پاسخ دهم. شکوری‌راد گفته است: آنهایی که اعتقاد به آزادی ندارند، پیشنهاد می‌دهند چکمه‌پوش مقتدری بیاید که نظم، امنیت و نان مردم را تامین کند. پاسخ: سوال از ایشان این است که چه کسی چنین ادعایی مطرح کرده؟ کدام چهره انقلابی یا اصولگرا، پیشنهاد حکومت نظامی و به تعبیر دیگر کودتا علیه دولت کرده است؟! آیا این ادعا خیالی‌بانی فرد نیست؟! جالب آنکه حتی ندای «استعفای روحانی» هم از اردوگاه خود اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان بیرون آمده است. موسویان، مشاور معنوی روحانی نخستین چهره‌ای بود که تز داد روحانی به‌عنوان مقصر اصلی استعفا کند و انتخابات زودهنگام برگزار شود. شکوری‌راد و جلالی‌پور هر دو مدعی شده‌اند: نظام سیاسی ما (ولایت فقیه) یک نظام سیاسی نمی‌یابد، صدراعظم و حتی نمایندگان مجلس را نیست و تکراری است؟! آیا نظام سیاسی دو حزبی آمریکا استثنایی نیست؟! آیا مشروطه سلطنتی انگلستان که ملکه بر راس آن می‌نشیند، استثنایی نیست؟! مجلس نمایندگان (بوندستاگ) و شورای ایالات (بوندسرات) آلمان که مردم در آن اجازه به طور کامل «مستقیماً» انتخاب کنند، استثنایی نیست؟! نظام سیاسی پادشاهی مطلقه عربستان که رای مردم برایش پس‌پیزی ارزش ندارد، استثنایی نیست؟! هیچ یک از کشورهای غربی، دموکراسی واحد و یکسانی ندارند، ده‌ها نوع دموکراسی در جهان وجود دارد و هیچ‌یک نمی‌تواند ادعا کند من دموکرات‌ترم یا دیکتاتورترم اما یک اصلاح‌طلب ایرانی ادعا می‌کند چون دموکراسی ما شبیه ندارد، پس ما دموکراسی نیستیم، برآستی این نشانه

پاسخی به چند دروغ

محمد عبداللهی

ناآگاهی است یا عناد؟! شکوری‌راد ادعا کرده: چون نظام ما ولایت‌فقیه است، حزب در نظام سیاسی ما دارای سقف است و به احزاب سختگیری می‌شود و علت همه مشکلات ما نداشتن حزب است! در حالی که در نظام‌های سیاسی دیگر این سقف تعریف نشده است. پاسخ: در حال حاضر ۲۳۰ حزب ثبت شده در کشور وجود دارد که حدود ۲۰۰ حزب در خانه احزاب عضویت دارند. حدود ۳۰ مورد از این احزاب، احزاب فعال و تاثیرگذار بر حیات سیاسی ایران هستند. شاید تعداد اعضای برخی احزاب به تعداد انگشتان دست نرسد اما برآحتی مجوز و حتی امتیازهای مالی می‌گیرند. پس این ادعا که نظام یا احزاب مخالف است و سختگیری می‌کند، دروغ بزرگی است. نکته دوم - گرایش‌های سیاسی در ایران، خود ترجیح داده‌اند بیشتر به صورت جبهه‌های اردوگاهی فعالیت کنند تا تشکیلات حزبی؛ نه اینکه حاکمیت مانع تحزب باشد. یکی از دلایل آن، شخص‌گرایی و حب فردی است. مثلاً جبهه اصلاحات، بیش از ۲۰ حزب و گروه دارد که هیچ‌یک حاضر نیستند قیوموت و سلطه حزب دیگری را بپذیرند و اتفاقاً اغلب آنها می‌ایند اصلاحات به صورت جبهه‌ای، بدون مانعیت خاص و هسته و تشکیلات آهنین فعالیت داشته باشند. در عین حال این احزاب متعدد، رفتار سیاسی مشابه و هماهنگی دارند. به تعبیر یکی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب، ما اگر ۲ نفر باشیم، حزب تشکیل می‌دهیم، ۳ نفر باشیم انشعاب می‌کنیم! پس تشکیلات یکپارچه حزبی وجود ندارد ولی جبهه‌های سیاسی همان عملکرد و رفتار حزب را انجام می‌دهند. نکته سوم - وی ادعا کرده در کشورهای دیگر، حزب سقف ندارد. این هم دروغ بعدی! فعالیت بسیاری از گرایش‌ها و افکار و عقاید در کشورهای دیگر بویژه کشورهای غربی ممنوع است. حزب کمونیست حق فعالیت حزبی در آمریکا ندارد. احزاب با گرایش‌های منتقد اسرائیل حق فعالیت حزبی و حتی دانشگاهی و اداری ندارند. احزاب با گرایش‌ات نئونازی و برخی احزاب کرد و مهاجران، حق فعالیت در آلمان ندارند. با وجود جمعیت قابل توجه مسلمانان، احزاب با گرایش‌ات اسلامی حق فعالیت در بسیاری از کشورهای غربی را ندارند. پس در همه کشورهای خطوط قرمز و سقف‌های متعددی برای فعالیت حزبی وجود دارد. نکته چهارم - شکوری‌راد ادعا کرده نداشتن سیستم

حزبی علت مشکلات کشور است و داشتن حزب عامل پیشرفت! اینکه فردی تمام مشکلات کشور را با یک نگاه ساختارگرا و تقلیل‌گرا به داشتن سیستم حزبی منسوط کند و نقش کارگزار و مجربان، سیاست‌های اقتصادی و سیاسی و... را نادیده بگیرد، نشانه نگاه جبرگرا و تک‌خطی این فرد است. نظام سیاسی ایران، نظامی راستی است و با تاکید بر رای مستقیم مردم اداره می‌شود؛ برخلاف برخی کشورهای غربی که رای مردم یا فیلتری به نام حزب و در نظام پارلمانی، کانالیزه و جهت‌دهی می‌شود. اینکه نظام حزبی باعث پیشرفت برخی کشورها شده، ادعایی اثبات نشده و با اتهامات و مثال نقض‌های بسیار است. نظام سیاسی در لهستان و یونان حزبی است و این کشورها توسعه نیافته‌اند، شاید بتوان گفت آنچه کشورها را پیشرفته‌تر کرده، رای‌دهی بر اساس «برنامه دقیق» است، چرا که جامعه، اغلب کاندیداها را نه بر اساس کاربزمای شخصی و اصل و نسب خانوادگی و وعده و وعده‌های توخالی و... بلکه به واسطه برنامه‌های عملی کاملاً دقیق و بدون ابهام گزینش می‌کند. حزب سبز در آلمان، در لیست کاملاً شفاف بیان می‌کند برنامه من «حفاظت از محیط‌زیست، افزایش اتومبیل‌های برقی، افزایش مالیات بر ثروتمندان و... است.» و حزب دموکرات مسیحی در لیست کاملاً شفاف اعلام می‌کند برنامه من: «توقف افزایش اجاره مسکن تا فلان سقف، حذف مالیات مراکز تولیدی، لغو مرز سنی برای بازنشستگان و... است.» و مردم بیش از آنکه به مرکل رای دهند به برنامه‌های او رای می‌دهند. بلکه! این بلوغ سیاسی هنوز در جامعه ایران وجود ندارد، نه به دلیل نداشتن حزب و نداشتن تشکیلات حزبی مردم ایران، بلکه به دلیل سوءاستفاده رسانه‌های پوپولیستی. نکته دیگر آنکه نظام مبتنی بر حزب و تحزب در نظام‌های پارلمانی، نوعی کانالیزه کردن و سرعت‌گیر گذاشتن بر مطالبات توده مردم و در واقع نقض آزادی آنها برای انتخاب مستقیم حاکمان است. اینکه نام دموکراسی را تحزب بگذاریم، جفا به دموکراسی و مردم هر دو است. در آمریکا، کسانی که به دو حزب اصلی جمهوری خواه و دموکرات تعلق نداشته باشند، یا سرمایه تبلیغاتی هنگفتی نداشته باشند، عملاً حرفی برای گفتن ندارند و هر دو حزب به ظاهراً خطوط قرمز و سقف‌های متعددی برای فعالیت حزبی وجود دارد.

ادامه در صفحه ۴